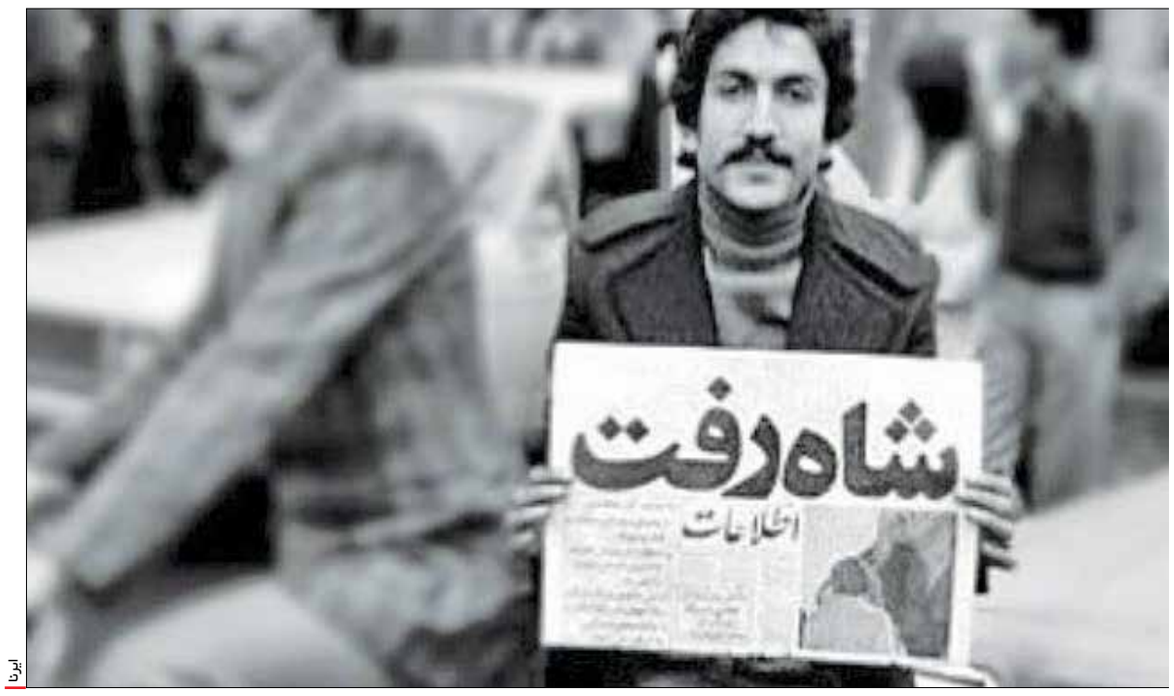

ایرنا

تکاپوی خبرنگاران در روزهای پرتب و تاب انقلاب

تحریریه ۵۷

یوسف حیدری
گزارش نویس

تب و تاب انقلاب در تحریریه روزنامه جاری بود و همه خبرنگاران و عکاسان تلاش می‌کردند چشم و گوش مردم باشند. مردم به روزنامه‌ها بیشتر از رادیو و تلویزیون اعتماد داشتند. سند آن هم روزنامه‌هایی که به چاپ چهارم و پنجم می‌رسید و مردم ساعت‌ها مقابل کیوسک‌ها صف می‌کشیدند تا بتوانند روزنامه بگیرند. روزهایی که خبری از اینترنت و تلفن همراه نبود و این روزنامه‌ها بودند که تمامی رسالت اطلاع‌رسانی را برعهده داشتند و نقش مهمی در به ثمر رسیدن انقلاب ایفا کردند. خیلی از خبرنگاران نسل دهه ۵۰ معتقدند روزنامه‌نگاری بحران در همان روزهای انقلاب ۵۷ رقم خورد.

بیژن نفیسی یکی از روزنامه‌نگارانی است که آن روزها دبیری گروه اجتماعی روزنامه اطلاعات را برعهده داشت. از نگاه او روزنامه‌نگاری بحران سال‌های منتهی به انقلاب شکل گرفت و خبرنگاران تجربه عملی باارزشی را در روزنامه‌نگاری پشت‌سر گذاشتند: «یکی از مسائل مهم در روزنامه‌نگاری بحران مشاهده است. بر این اساس خبرنگاران با حضور در محل اتفاق یا رویداد را بی‌واسطه مشاهده می‌کردند. در کنار آن باید مراقب خود هم می‌بودند تا بتوانند اطلاع‌رسانی کنند. ما به خبرنگاران می‌گفتیم شما راوی اخباری هستید که میلیون‌ها نفر در انتظار خواندن آن هستند، پس اول از همه مراقب خودتان باشید. ۱۰۰ خبرنگار و دبیر سرویس و شورای سردبیری مثل زنجیر به هم وصل بودند و در هر نقطه‌ای از شهر تجمع یا تظاهراتی بود خبرنگار باید آنجا حاضر می‌شد.

روزنامه‌های مهم کشور مثل کیهان و اطلاعات چاپ عصر بودند و خبرنگاران از صبح برای کسب خبر بیرون می‌رفتند و قبل از ۱۲ برمی‌گشتند. با ورود هر خبرنگار ولوله عجیبی در تحریریه به راه می‌افتاد. تحریریه در جوش و خروش بود. تلفن‌ها مرتب زنگ می‌خورد و تیم‌های خبری به هر طرف اعزام می‌شدند. خستگی معنا نداشت؛ هر شب تعدادی از بچه‌ها هم شیفت می‌ماندند تا اگر اتفاق مهمی افتاد بلافاصله به محل حادثه بروند. چاپ روزنامه، سربی بود و عکس‌ها هم باید روی سرب کلیشه می‌شد. خبرها باید سریع نوشته می‌شد تا بخش فنی حروف سربی آن را آماده کند. عکاسان هم فیلم دوربین را به تاریکخانه می‌بردند و چاپ می‌کردند. بعضی روزها روزنامه اطلاعات به چاپ چهارم می‌رسید و هر وقت خبر جدید و مهمی می‌آمد، در چاپ بعدی آن را منتشر می‌کردیم و به کیوسک روزنامه‌فروشی‌ها می‌رساندیم.»

نفیسی به تجربه باارزش روزنامه‌نگاری در سال ۵۷ و خلاقیت خبرنگاران اشاره می‌کند و می‌گوید: «در شرایط بحران هر لحظه خبر جدیدی می‌رسید و اتفاق تازه‌ای می‌افتاد. یکی از مهمترین خبرها رفتن شاه بود. ما چند روز قبل از ۲۶ دی‌ماه از منابع خبری مطلع شدیم که شاه می‌خواهد کشور را ترک کند. آن روزها یک نماینده خبری در فرودگاه مهرآباد داشتیم اما با وجود این، روز رفتن شاه یک اکیپ خبری هم به فرودگاه فرستادیم. از چند روز قبل هم تیتر معروف شاه رفت را مرحوم غلامحسین صالح یار سردبیر اطلاعات انتخاب و به قسمت فنی داده بود تا آماده کنند. آن سال‌ها در حروفچینی سربی حروفی که بزرگی آن به اندازه ۱۰ ستون باشد، نداشتیم. بنابراین با پیشنهاد مرحوم صالحیار بخش فنی این تیتر را به صورت عکس کلیشه‌ای آماده کرد و زمانی که خبرنگار تماس گرفت و گفت هواپیمای شاه پرواز کرد، بلافاصله آن تیتر به همراه یک عکس آرشیوی که به رفتن شاه شباهت داشت در صفحه اول به چاپ رسید.»

مردم می‌خواستند از حوادث و اتفاق‌هایی که در جریان انقلاب ۵۷ رخ می‌داد باخبر باشند و انتظار داشتند خبرنگاران بدون سانسور این خبرها را منعکس کنند. محمد بلوری یکی از پیشکسوت‌های روزنامه‌نگاری هنوز هم تحریریه ۵۷ را یکی از بهترین تحریریه‌های روزنامه‌نگاری می‌داند و معتقد است خبرنگاران و روزنامه‌نگاران با قلم و عکس خود سهم به‌سزایی در پیروزی انقلاب داشتند: «روزهای انقلاب خبرنگاران گاهی میان وظیفه و وجدان گرفتار می‌شدند. مثلاً زمانی که مجبور می‌شدند برای انتقال زخمی‌ها کمک کنند و همزمان به فکر کار خود هم باشند. مرحوم حسین پرتوی یکی از عکاسان معروف مطبوعات بود. یکی از روزها وقتی به تحریریه برگشت دست‌ها و لباس‌هایش غرق خون بود. می‌گفت لحظه عکاسی چند نفر تیر خورده‌اند و روی زمین افتاده‌اند. آن لحظه او عکاسی را رها کرده و به کمک زخمی‌ها رفته بود. می‌گفت وجدانم اجازه نمی‌داد آنها را به همان حال رها کنم. تحریریه روزنامه کیهان مثل خیابان در تب و تاب بود. گاهی اوقات روزنامه به چاپ پنجم هم می‌رسید و بعضی روزها خودمان روزنامه را در خیابان بین مردم توزیع می‌کردیم. تحریریه در اختیار انقلاب بود و همه خبرنگاران به هم کمک می‌کردند.»

> فریدون صدیقی: من گزارش نویس میدان ژاله بودم. وقتی به میدان رسیدم همه درحال فرار بودند. همراه یکی از زخمی‌ها به درمانگاه رفتیم. تعدادی از مجروحان را با وانت به درمانگاه آوردند. مردم از خانه‌هایشان پتو و الکل می‌آوردند. اولین بار بود که خون می‌دیدم. سعی کردم مشاهداتم کامل باشد. بعد برگشتم روزنامه گزارشم را بنویسم. وقتی اتفاقات را برای همکاران توضیح می‌دادم بیهوش شدم. تا آن روز کشت و کشتار ندیده بودم

رسیدن تیراژ روزنامه کیهان به یک میلیون نسخه یکی از اتفاق‌های ماندگار جامعه مطبوعاتی ایران است. بلوری از میلیونی شدن تیراژ کیهان در روزهای منتهی به انقلاب ۵۷ این‌گونه می‌گوید: «آن روزها همه در انتظار عکسی از امام خمینی(ره) بودند. تا آن موقع خیلی از مردم چهره امام را ندیده بودند. ما یکی از خبرنگاران را به همراه عکاس به قم فرستادیم تا شاید عکسی از امام(ره) پیدا کنند اما موفق نشدند. ناامید نشدیم و از طریق فرزند آیت‌الله خوانساری عکسی از امام که در کتابی در عراق چاپ شده بود پیدا کرده و چاپ کردیم. بعد از چاپ عکس امام(ره) تیراژ روزنامه به یک میلیون نسخه رسید. مجبور شدیم پنج بار تجدید چاپ کنیم.»

از نگاه فریدون صدیقی استاد روزنامه‌نگاری در آن دوره شورای سردبیری و کسانی که در جایگاه مشورت قرار می‌گرفتند ذهن نظام‌مندی داشتند و با پدیده مدیریت بحران در عرصه خبر و اطلاع‌رسانی کاملاً آشنا بودند. صدیقی که در روزهای انقلاب خبرنگار کیهان بود به روند پرشتاب این روزها اشاره می‌کند و می‌گوید: «انقلاب اسلامی با چاپ یک مقاله در روزنامه اطلاعات شروع شد و بعد با تظاهرات قم و تبریز ادامه پیدا کرد و رفته رفته این ذهنیت در میان روزنامه‌نگاران شکل گرفت که باید خودشان را برای تهیه گزارش در روزهای انقلاب آماده کنند. روزهای انقلاب خیلی پرشتاب بود و هر روز آماده اتفاق جدیدی بودیم و این تبدیل به یک عادت شده بود. همین عادت باعث شد تا یک سازماندهی جدید در روزنامه‌ای مثل کیهان شکل بگیرد. در این چارچوب هر خبرنگار می‌دانست چه کار باید بکند و کجا برود و کدام گزارش را تهیه کند. مثلاً پوشش خبری آزاد شدن زندانی‌ها برعهده من بود. آزاد شدن آیت‌الله طالقانی از زندان اوین و محمود به آذین از زندان قصر را من پوشش خبری دادم.»

شاید در این سال‌ها واژه شهروند خبرنگار را زیاد شنیده باشیم. اما در روزهای پرتب و تاب انقلاب هم شهروند خبرنگاران فعال بودند و مدام تحریریه روزنامه‌ها را در جریان اتفاقات و حوادث خیابان‌ها می‌گذاشتند. فریدون صدیقی با اشاره به همکاری عجیب آن روزهای مردم با روزنامه‌ها می‌گوید: «یکی از اتفاق‌های مهم روزهای انقلاب همکاری مردم با خبرنگاران بود. مردم وقتی ماشین جیپ روزنامه را که نام کیهان روی آن نوشته شده بود می‌دیدند بلافاصله مسیر را باز می‌کردند تا سریع به محل خبر یا روزنامه برسیم.

اتفاقات هرچه جلوتر می‌رفت به تناسب رویدادها روزنامه‌ها هم به نوعی خود آمادگی و تلاش و تکاپوی بیشتر می‌رسیدند. به‌طور مثال روزی که امام آمد، من و یک نفر از عکاسان به فرودگاه رفتیم و من در یک گوشه‌ای با تلفن گزارش لحظه به لحظه را به روزنامه دادم. این طوری نبود که یک دفعه باخبر شویم که امام آمده، ما سعی می‌کردیم از قبل در جریان باشیم. این اتفاقات خود به خود شکل می‌گرفت و چون انگیزه بود خود به خود تبدیل به خلاقیت و خلاقیت تبدیل به راهبرد می‌شد. یکی از اتفاق‌هایی که فراموش نمی‌کنم مربوط به ۱۷ شهریور است. من گزارش‌نویس میدان ژاله بودم. وقتی به میدان رسیدم همه در حال فرار بودند. همراه یکی از زخمی‌ها به درمانگاه رفتیم. تعدادی از مجروحان را با وانت به درمانگاه آوردند. مردم از خانه‌هایشان پتو و الکل می‌آوردند. اولین بار بود که خون می‌دیدم. سعی کردم مشاهداتم کامل باشد. بعد برگشتم روزنامه گزارشم را بنویسم. وقتی اتفاقات را برای همکاران توضیح می‌دادم بیهوش شدم. تا آن روز کشت و کشتار ندیده بودم.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۵۹۶

آسان

۲		۷		۸	۶	۳		
			۵	۷				۴
۸						۶		
۵		۴		۳	۷	۱		
		۶	۷	۸	۹	۲		
	۱	۹	۸	۵		۶		۳
		۷						۲
۶				۲	۳			
		۲	۴	۷		۱		۶

متوسط

		۷	۶					
	۲	۵		۱				
	۶	۱	۵	۷	۴			
۷		۸	۹	۴				
		۹		۲		۴		
				۸	۷	۱		۹
			۷	۶	۸	۹	۵	
				۹		۷	۲	
				۱	۴	۸		

سخت

		۱			۷	۹		
	۳	۲			۱			۵
			۲					۶
	۸		۳					
۷		۳		۱		۴		۹
				۴			۸	
۳				۲				
۱			۴			۶	۷	
		۴	۶			۳		

خیلی سخت

۷					۶			۹
	۳			۹		۸		
					۷		۱	
۵							۳	۶
	۸		۷		۱		۹	
۶	۴							۱
	۵		۳					
		۳		۸			۴	
۸			۴					۵

حل جدول سودوکو شماره ۳۵۹۶

آسان

۲	۹	۷	۱	۸	۶	۳	۴	۵
۴	۵	۳	۷	۶	۹	۱	۸	۲
۸	۱	۶	۴	۵	۳	۷	۹	۲
۵	۴	۱	۳	۹	۷	۲	۶	۸
۹	۶	۸	۲	۴	۵	۱	۳	۷
۳	۷	۲	۸	۱	۴	۹	۵	۶
۶	۳	۴	۵	۷	۱	۸	۲	۹
۷	۸	۹	۶	۲	۸	۵	۱	۳
۱	۲	۵	۹	۳	۷	۶	۸	۴

متوسط

۹	۸	۴	۲	۱	۵	۶	۷	۳
۳	۵	۱	۶	۷	۹	۸	۴	۲
۶	۲	۷	۳	۸	۴	۵	۱	۹
۴	۱	۸	۹	۵	۲	۳	۶	۷
۵	۹	۳	۷	۶	۱	۴	۸	۲
۷	۶	۲	۴	۳	۸	۹	۵	۱
۸	۴	۶	۱	۹	۳	۷	۲	۵
۱	۳	۹	۵	۲	۷	۶	۸	۴
۲	۷	۵	۸	۴	۶	۱	۹	۳

سخت

۶	۴	۸	۲	۵	۱	۷	۳	۹
۵	۳	۲	۹	۷	۸	۱	۶	۴
۹	۷	۱	۳	۶	۴	۲	۵	۸
۲	۸	۵	۶	۱	۳	۹	۴	۷
۴	۶	۳	۵	۹	۷	۸	۱	۲
۷	۱	۹	۴	۸	۲	۶	۳	۵
۳	۵	۶	۷	۲	۹	۴	۸	۱
۱	۹	۴	۸	۳	۵	۷	۲	۶
۸	۲	۷	۱	۴	۶	۵	۹	۳

خیلی سخت

۷	۱	۹	۸	۶	۳	۴	۲	۵
۸	۶	۳	۴	۵	۲	۹	۱	۷
۴	۲	۵	۹	۱	۷	۳	۶	۸
۳	۵	۸	۶	۴	۹	۷	۱	۲
۹	۴	۱	۷	۲	۸	۵	۳	۶
۶	۷	۲	۳	۱	۵	۸	۹	۴
۱	۸	۴	۵	۳	۶	۲	۷	۹
۲	۳	۶	۱	۷	۴	۹	۵	۸
۵	۹	۷	۲	۸	۱	۶	۴	۳

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۶۲

جدول عادی

افقی:
۱- شهرمرزی- طرفدار دوآتیشه
۲- شبنم- کفش لاستیکی-.... بادام است نوه مغز بادام
۳- شیوه، روش- آماده کردن- از یک پدر و مادر
۴- حلقوم- پدر فرنگی- کشت بارانی- رقص بیگانه
۵- یک مجموعه کامل- بخشش‌ها- تشت سفالین
۶- غذای محلی «اردبیل»- خرده سنگ‌هایی که به‌علت جابه‌جایی یخچال‌های طبیعی برجای می‌مانند- عیب ونقص
۷- پیمودن طریقت- سازی زهی- از فراعنه مصری
۸- کلمه ندایی شاعرانه!- درس حساب- مخفف از آن
۹- ترس مرضی- پیشین- رئیس جمهوری ابدی «کره‌شمالی»
۱۰- رود اروپایی- سرچشمه‌ها- ضد «بیرون»
۱۱- حدت- ملی پوش ایرانی تیم «العربی» قطر- نفس خسته
۱۲- خشک شدن- یخ- یاردشت!- ماهی عرب
۱۳- بها- پزشک عالیقدر ایرانی- رازها
۱۴- شک و گمان- گیاه ضد ماتیسم- پارچه زخم بندی
۱۵- بنای تاریخی و ارزشمند «تبریز» واقع در باغمیشه- بزرگراه

عمودی:
۱- شرکتی که در زمینه ارائه خدمات گردشگری فعالیت می‌کند- فتنه
۲- دریچه‌ای در کاربراتور- شهری تاریخی در «فرانسه»- شهر «دوچرخه»
۳- با «یللی» آید- ضد «بیدار»- شتافتن
۴- جیران- ظرف پوستی آب- سرزمین «سبا»- شبکه تلویزیونی
۵- اولیه- طردشده- ترمز چارپا
۶- تخم مرغ فرنگی- کیفیت برتر صدا- مارکی برلپ تاپ
۷- بیمارستان «تهران»- ته‌نشین‌شونده- بی‌جنبش
۸- جاپایی نردبان- فقیر- پارچه زربفت
۹- نام «مظاهری» گل‌راستقلال- سخنران- همراه «قافیه» آید
۱۰- اجاق برقی- دست به کاری زدن- امر به ساییدن
۱۱- قلب دوم!- آمرزش- اثر زنده یاد «شجریان»
۱۲- ماه فوتبالی- پدر ترکی- جهت- خمره
۱۳- درویش- خیاطخانه- رؤیای تشنه لب
۱۴- رودی در «آلمان»- معما چو حل گشت.... شود- بدرستی که
۱۵- عدد قرن- درباره خوب و بد حرف یا کاری فکر کردن وسنجیدن

جدول ویژه

افقی:
۱- درختی گرمسیری- نوعی فشفشه
۲- آهنگ موزون- وسیله خیاطی- اطراف
۳- پایدار- پول «روسیه»- نوعی بازی شبیه شطرنج
۴- جای تحصن- کلمه شرط- فیلسوف «آلمانی»- منگ
۵- همسر «اسکارلت»- بالاتر از بقیه- بمب مخرب
۶- آراسته- نقاش برجسته اروپایی- شهر «پینوکیو»
۷- پاستای حلقه‌ای- هتلی در «آنتالیا»- یک روش تصمیم‌گیری گروهی
۸- بهره وام- نوعی قایق- محیط اطراف
۹- رفاقت- چرم- مجرای آب
۱۰- تردید- لیگ فوتبال ایتالیا- ساختمان فروریخته
۱۱- جزیره‌ای به شکل ذوزنقه در «هرمزگان»- کشور آسیایی- آب درلغت محلی
۱۲- ضلعی در مثلث- انگشت برجسته- مردمک چشم- ثبات
۱۳- جمع خادم- امید به خدا- اصطلاحی در فوتبال
۱۴- جمع مصیبت- سمبل- یکنوع قایق سبک
۱۵- دانش «نوروساینس»- خودرویی لوکس

عمودی:
۱- نویسنده «کسب و کار خانم وارن»- همراهی عرب
۲- زیرکی و هوشیاری- نوعی چرم- مهارت
۳- جوانمردی- تفاله چغندر- زیرزمینی در عمق زیاد
۴- پرتاب سنگ- کاملاً محرمانه- یک نفره- گوسفند ماده
۵- زوسایل بازی- پسر «کیقباد»- بهابرگ
۶- سیلی- تودرتو- سیاهه
۷- پارسنگ ترازو- نام کوچک «امام اوغلو» فیزیکدان ترکیه‌ای- کشور آفریقایی
۸- واحد پول «کوبا»- شهرستانی در «برزیل»- مربوط به‌تعداد
۹- میوه زرد گلابی شکل- سنگ انداز- بدون آستر
۱۰- زمام اسب- فالگیری- لبه شمشیر
۱۱- راست و افروخته- سد «جاجرود»- خوراک کفش
۱۲- مایع حیات بخش بدن- همراه «هرج» آید- اثاثیه خانه- رنگ آرامش
۱۳- مجال- تفسیرکننده- شهری در «آذربایجان شرقی»
۱۴- هافبک سابق «استقلال»- قانع- پیروی
۱۵- گرد دهان از جانب بیرون- کتاب «خواجه رشیدالدین فضل‌الله شریف»

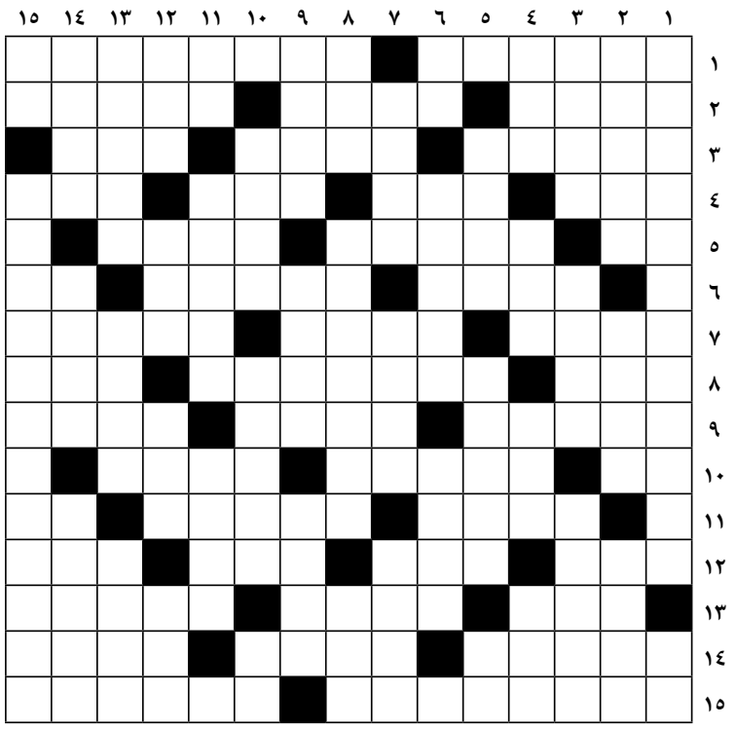

حل جدول عادی شماره ۷۵۶۱

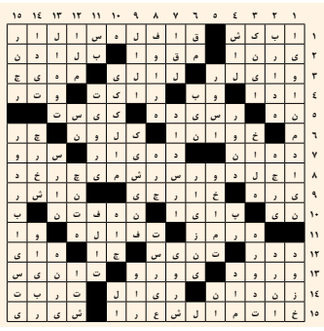
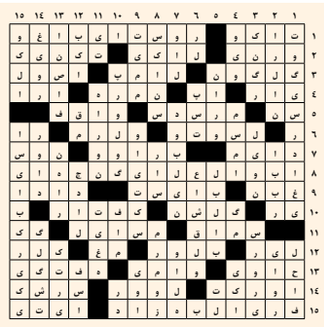
حل جدول ویژه شماره ۷۵۶۱